



به مناسبت شهادت صدیقه طاهره؛ حضرت زهرا(س) یادآور وصایا و سیره پیامبر(ص) بود/ پاسدار حریم ولایت

رویکرد حضرت زهرا(س) به عنوان اولین حامی و مدافع ولایت بر حق الهی و آغازگر دفاع از حریم ولایت، تعیین کننده محور ارزش های اجتماعی و سیاسی در حرکت تاریخی اسلام است.

رویکرد حضرت زهرا(س) به عنوان اولین حامی و مدافع ولایت بر حق الهی و آغازگر دفاع از حریم ولایت، تعیین کننده محور ارزش های اجتماعی و سیاسی در حرکت تاریخی اسلام است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-رضا صفری: امامت و ولایت در اسلام، از پایه های اصلی اعتقاد و زیر بنای زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می آید. اما ولایت در باور شیعه از جایگاهی خاص و رفیع برخوردار است تا جایی که از نماز، روزه، حج و جهاد نیز برتر و بالاتر است. رویکرد حضرت زهرا(س) به عنوان اولین حامی و مدافع ولایت بر حق الهی و آغازگر دفاع از حریم ولایت، تعیین کننده محور ارزش های اجتماعی و سیاسی در حرکت تاریخی اسلام است. رویکرد ایشان در دفاع از حریم ولایت پس از حلت پیامبر اسلام(ص)، تا زمان شهادتشان، از فرازهای مهم تاریخ اسلام به شمار می رود. در این زمان است که فاطمه همچون «سیاستمداری بزرگ» در دفاع از ولایت؛ «دانشگاه سیاسی» خود را می گشاید و در مکتبی که عمرش کمتر از صد روز بود، ضمن نشر «فرهنگ سیاسی» خود، مشعل هدایت را فرا روی حقیقت مداران قرار می دهد.

سوالاتی که در اینجا مطرح می شود این است که با توجه به رحلت پیامبر (ص) که مصیبت و داغ سنگینی بر حضرت زهرا(س) بود و از سویی با توجه به اجتماع سران مهاجر و انصار در سقیفه بنی ساعده و نادیده گرفتن «غدير» و وصایای پیامبر (ص) در مورد وصایت حضرت علی(ع)، و حضور جمعی انگشت شمار برگرد امیرالمومنین(ع)، حضرت زهرا(س) چگونه و با چه الگوهای به دفاع از حریم ولایت می پردازد؟

نکته کلیدی در فهم این مسئله این است که بدانیم دفاع حضرت از امیرالمومنین نباید با نقش همسری امیرالمومنین و یا داماد پیامبر بودنش و یا پسرعموی بودنش برای حضرت زهرا(س) خلط شود، چرا که این عنوان «نسبت های قرابتی» است و موضوع ولایت و ولایت پذیری امری فراتر از این مسائل است. دفاع حضرت زهرا(س)، دفاع از شخص امیرالمومنین نیست، دفاع از حقانیت ولایت علی(ع) است. دفاع از اصل و اصول و ارزش های متعالی دین است.

از این رو حضرت از دو الگو که خود در بردارنده شاخه های مختلفی بود، به دفاع از حریم ولایت پرداخت که این محور عبارتند از:

الف. بخش اول: شامل سخنانی که ایشان در دفاع از امامت و ولایت و برای روشننگری و آگاه کردن مردم بیان فرموده اند؛ که این موضوع ابعاد مختلفی از تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و دینی جامعه را در بر می گیرد که در خطبه ارزشمند فدکیه متجلی شده است. بررسی این موضوع مجالی دیگر می طلبد. ولی همین قدر در باب اهمیت این خطبه اشاره کنیم که «علامه شرف الدین» می گوید: «اهمیت این خطبه چنان است که اهل بیت، فرزندان خویش را ملزم به حفظ آن می نمودند، آن گونه که آن ها را به حفظ قرآن دستور می دادند. این خطبه شاهد گویایی بر احتجاج به امامت امام علی(ع) می باشد». در این خطبه حضرت ضمن بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه از دو رویکرد مهم سخن می گوید:

رویکرد نخست: تبیین ولایت حضرت علی(ع) که در دوره های مختلف مورد تاکید حضرت رسول (ص) قرار گرفته و همه امت اسلامی نیز بر آن شهادت می دهند.

رویکرد دوم: سرزنش خواص که در امر مهم جامعه اسلامی تساهل و تسامح از خود نشان داده اند. این تساهل و تسامح بود که نتیجه فعلی را در جامعه اسلامی رقم زد.

ب. بخش دوم: بعد دیگری از فعالیت حضرت در مسیر دفاع از حریم ولایت، در الگوهای مختلف خود را نشان می دهد که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. تبیین حقیقت ولایت

امر ولایت در آیات و روایات مختلف مورد تاکید و توجه قرار گرفته است. همه ائمه معصومین نیز در پاسخ به سئوالات مختلفی که در این خصوص مطرح می شد، از ابعاد مختلفی بدان می پرداختند. حضرت زهرا(س) نیز بعد از رحلت پیامبر(ص) با رفتار نظری و عملی تبعیت و حمایت تمام و کمال خود را از امر ولایت حضرت امیرالمومنین(ع) نشان می داند.

چنانکه حضرت در پاسخ «محمود بن لبید» که پرسید آیا رسول خدا(ص) درباره امامت علی(ع) سخن گفت؟ فرمودند: «شنیدم که پیامبرگرمی اسلام فرمودند: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهم. علی امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن و حسین(ع) و نه نفر از فرزندان حسین(ع) پیشوایان و امامانی پاک و نیک اند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید تا روز قیامت بلائی تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد(الاحتجاج، ۱، ۲۸۱ج ۱، ص ۲۴۸).

حضرت در ادامه می فرماید: آگاه باش! قسم به خدا، اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می نمودند، دو نفر هم درباره حکم خدا با یکدیگر اختلاف نمی کردند... اما ... و کسی را کنار زدید که خدا او را مقدم داشت(شرح خطبه حضرت زهرا، ۱۳۸۰، ص ۵۰۲). پس مشخص می گردد که نادیده گرفته شدن حق بعد از رحلت پیامبر(ص)، منجر به تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی گردیده است.

۲. بیان شاخص های امامت

رحلت پیامبر(ص)، فرصتی در اختیار افراد و گروه های داد تا زمانی که حضرت رسول(ص) در قید حیات بودند، نمی توانستند افکار و اندیشه های جاهلی خود را بازتولید کنند، اما با رحلت پیامبر(ص) بار دیگر شاخص های دوران جاهلیت معیار و ملاک برتری در نظر گرفته شد. این در حالی بود که حضرت زهرا(س) در برابر این گونه بازتولید اندیشه های جاهلی و یا کج فهمی از دین دست به روشنگری زد و در فرصت های مختلف ضمن بیان شاخص های امر امامت، به بیان فضایل امیرالمومنین(ع) نیز می پرداخت.

بیان حضرت، امری بود که بدان ایمان قلبی داشت و از سرتعصب و یا احساس نبود. در میان فضایل امیرالمومنین نیز حضرت از زبان پیامبر اکرم(ص) نقل نمود که فرمودند: علی بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین قرار می دهم.(فرهنگ سخنان فاطمه، ۱۳۷۷ ص ۳۷). حضرت در بخشی از خطبه معروف خود در مسجد مدینه درباره سابقه درخشان امیرالمومنین فرمودند: پس از بعثت رسول خدا هرگاه مشرکی آتش جنگ برافروختند، خدا آن را خاموش کرد و هرگاه شیطان سربرداشت یا مشرکی از مشریکن ندا داد یا یورش آورد، رسول خدا برادرش علی(ع) را در کام سختی ها و شعله ها می انداخت و علی بر جای نشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید و با شمشیر مشکلات و تهاجمات را از سر راه اسلام برداشت. علی(ع) رنج ها را برای خدا تحمل نمود و در تحقق امر الهی تلاش کرد.

علی(ع) همواره دامن همت به کمر زده، نصیحتگر تلاشگر و کوشاه بوده، در راه خدا از سرزنش کننده ای بیم به خود راه نداد، در حالی که شما مردم در رفاه و آسایش زندگی آرمیده بودید(شرح خطبه حضرت زهرا، ۱۳۸۹ ص ۶۶).

۳. سوگواری بر پیامبر(ص)

حضرت زهرا در طول حیات خود شاهد سختی های زیادی بوده اند از جمله رحلت حضرت خدیجه و نیز سختی های که بر حضرت رسول در دوران رسالت مکی می گذشت ولی منابع تاریخی هرگز از بی تابی و بی قراری حضرت سخن نمی گویند پس چه اتفاقی رخ داد که بعد از رحلت پیامبر(ص)، فاطمه(س) اینقدر گریه و بی تابی می کرد مگر این نبود که حضرت بر فلسفه خلقت و آفرینش انسان، حیات ابدی و... واقف بودند پس علت این کارها چیست؟ تا جایی که در مورد شدت عزاداری ایشان آمده است: «بزرگان اهل مدینه اجتماع کردند و به حضور امیر المؤمنین علی علیه السلام مشرف شدند و گفتند: یا اباالحسن! فاطمه شب و روز گریه می کند، هیچ کدام از ما شب در رختخواب بخواب نمی رویم، روزها بعلت مشغله و طلب وسائل زندگی قرار و آرام نداریم، ما از تو تقاضا می کنیم که فاطمه شب یا روز گریه کند.

حضرت امیر فرمود: مانعی ندارد. وقتی علی علیه السلام متوجه فاطمه اطهر شد دید آن بانوی معظمه از گریه ساکت نمی شود، و تسلیت گفتن برای او ثمری ندارد، هنگامی که چشم آن بانو بحضرت امیر افتاد لحظه‏ ای ساکت شد. علی علیه السلام به وی فرمود: ای دختر پیغمبر خدا (ص) بزرگان مدینه از من خواسته‏ اند که از تو بخوایم: شب برای پدر بزرگوارت گریه کنی یا روز. فاطمه (س) گفت: یا ابا الحسن! من چندان مکتی در میان این مردم نخواهم

کرد، بزودی من از میان این مردم می روم، یا علی بخدا قسم من شب و روز از گریه آرام نخواهم شد تا اینکه به پدرم ملحق شوم. برداشتی که از این رویکرد حضرت می توان داشت این است که وی با این اقدام می خواهد امری را متذکر شود، می خواهد پرده از حقیقتی بردارد، می خواهد شهادت بر امری تباه شده بدهد و... و آن چیزی نیست جز اینکه بعد از رحلت پیامبر(ص) امر ولایت حضرت امیرالمومنین نادیده شده است، و این اقدام همان کاری است که سیدالساجدین امام زین العابدین در شهادت امام حسین(ع) انجام می داد. گریه شبانه روزی بر شهادت نه شخص حسین بلکه شهادت بر امام زمان، شهادت ولی زمان، گمراهی و ضلالت مردم، انحراف دین، از بین رفتن ارزش های دینی و... پس این گریه ها، گواهی بر امری بزرگی است تا فهم و آگاهی و تفکر را به قلب های خفته برگرداند و حجت را بر همگان تمام کند.

۴. مطالبه کردن فدک

یکی دیگر از ابعاد مبارزاتی حضرت در جهت دفاع از حریم ولایت، در مطالبه کردن فدک متجلی می شد. حضرت زهرا و خانواده ایشان هرگز به دنبال بهره مندی شخصی از مزایای اقتصادی فدک نبودند پس به راستی چرا فاطمه (س) فدک را مطالبه نمود؟

بر اساس منابع تاریخی، دلایل مختلفی را می توان بر این اقامه کرد که در این مجال متناسب با بحث مورد نظر فقط به دو مورد اشاره می کنیم:

الف. خاندان اهل بیت از درآمد فدک می توانستند برای اصلاح وضع زندگی فقرا وصله رحم در راه تقویت اسلام و حریم ولایت و امامت استفاده نمایند.

ب. اگر پس از مطالبه فدک آن را به حضرت زهرا (س) برمی گردانند ایشان به مطالبه حق از دست رفته امام علی (ع) می پرداخت و خلیفه نمی توانست سخنش را نپذیرد زیرا قبول کرده بود که هر چه زهرا می گوید راست است.

۵. روشنگری برای انصار و مهاجر

انصار و مهاجر دو رکن اصلی جامعه اسلامی را تشکیل داده بودند. در بین دو گروه بخصوص روسای آنها کسانی بودند که هنوز با جان و دل ایمان نیاورده بودند و هنوز مظاهری از نخوت و شرک و غرور دوره جاهلی را در خود داشتند و این مظاهر بارحلت پیامبر به سرعت خود را نشان داد.

حضرت زهرا(س) در مسیر دفاع از حریم ولایت و برای بیدار کردن قلب های خفته و یادآوری سیره و رفتار و وصایای پیامبر(ص) بر در خانه بزرگان انصار و مهاجر می رفت تا به آنان هشدار دهد و این هشدار نه برای بدست آوردن منافع دنیا بلکه برای اتمام حجت در برابر پروردگار بود تا عذری باقی نماند. ابن قتیبه می نویسد: «حضرت علی(ع)، شب ها حضرت زهرا(س) را بر چهارپایی سوار می کرد و به خانه های انصار می برد و از آنان یاری می طلبید.

آنان در جواب می گفتند: «ای دختر رسول خدا(ص)! کار از کار گذشته است و ... اگر همسر و پسر عموی تو پیش از این مرد نزد ما می آمد و از ما بیعت می خواست، ما کسی غیر او را انتخاب نمی کردیم». امام علی(ع) در جواب آنان می فرمود: «آیا من پیکر رسول خدا(ص) را در خانه اش روی زمین می گذاشتم و دفن نکرده به دنبال حکومت، به نزاع و دعوا برمی خاستم؟».

حضرت زهرا(س)، در تأیید امام(ع) می فرمود: «ابوالحسن کاری غیر از آنچه سزاوار و مناسب او بود، انجام نداد. آنان نیز کاری کردند که حسابشان با خداست و خداوند از آنان بازخواست خواهد نمود». حضرت زهرا(س)، با صراحت اعلام داشت که پدرم، در غدیر خم علی(ع) را به عنوان خلیفه و جانشینش معرفی نمود و امروز که بیعت با [کسی دیگری را] را بهانه قرار می دهید، عذر بدتر از گناه می باشد و هرگز از شما پذیرفته نیست.

از دیگر شیوه های که حضرت برای پاسداری از حریم ولایت به کار برد می توان از موارد زیر نام برد:

۱. قهر و غضب بر برخی از بزرگان مهاجرین و انصار که یا حق ولایت را ضایع کردند و یا در برابر آن کوتاهی کردند.

۲. با وصیت به دفن مخفیانه، حضرت به عنوان تنها فرزند پیامبر(ص) که جایگاه وی در سیره و رفتار پیامبر و در آیات و روایات متجلی شده، نشان داد که حضرت بر تحولات صورت گرفته رضایت ندارد و به همین خاطر دوس ندارد از آن گروه ها

کسی بر تشییع جنازه وی حاضر شود و چیزی پایمال نشده بود جز حق ولایت حضرت امیرالمومنین(ع) و این رفتار حضرت زهرا برای کسانی که اهل بصیرت باشند، ضربه ای سهمگین بود.

مواردی گفته شده، بخش از الگوهای رفتاری حضرت در حفظ و حراست از کیان ولایت بود که نه تنها منابع اهل تشیع، بلکه منابع متقدم اهل تسنن نیز بر این رفتارها گواهی می دهد.